

ادبیات لکچر خارج از کور ۱۴۰۱

احمد علی
مدرسین ادبیات و فلسفه
علوم و فنون

۱- کزینہ ۲ نماز = اھیاء، راجی - فترک = ترک، نین، تسبیح و دعا کی کہ از عقبہ زمین است و پیر نہ و با آن پیرس راجہ ترک می بندند.

۲- کزینہ ۳ کرد = دلیر، دهلوان (حریف X)

۳- کزینہ ۱ معانی درست و امانت که نادرست معنی سکه ۱۵۰۰

سلسلہ حبیبان : محرک، آن کہ دیگران را به کاری برمی انگیزد / وطنیہ از سن - رزاقی مقدر و مبین
حریف آفتاب : طلوع آفتاب، صبح زود / بلس : یار او، ~~مصدق~~ جداکن / به حسب : به اساس، مطابق

۴- کزینہ ۱

۵- کزینہ ۲ آ ذرم X = آ ذرم ✓ (عمر و صبا)

۶- کزینہ ۴ اناث X = اساس ✓ (بیان) هلیه X = حلیه (زیور) ✓

۷- کزینہ ۱

در کزینہ ۱ دو تکیه دارد = مرد چون به روانه و سماع رخاار (اضافه تکیه)

در کزینہ ۲ سه تکیه = موبه تیغ، سینه به سیم و نیم به سیاه (سیاه نیمه به اضافه تکیه)

در کزینہ ۳ سه تکیه = چون درخت - برقی شکوف (اضافه تکیه) و میوه کن (اضافه تکیه)

در کزینہ ۴ سه تکیه = یار کندگون و بش موس - چون کاه (مرا چون کاه)

۸- کزینہ ۴ سخن تلخ = حسن آمیزش - حلاوت سخن تلخ (یارادوس)

مصرع دوم معادلی به اس مصرع اولیات (احد بهیاد)

استعاره = اصطلا سخن تلخ (درد عشق)

۹- کزینہ ۳ چاه زندان، تکیه اس یاه زنج : استعاره و تکیه

۱۰- کزینہ ۳ اند - تکیه ب - حسن آمیزش ج - یارادوس د - مجاز (جاگ مجاز از سداب)

۱۱- کزینہ ۳ در کزینہ ۳ که خ به هسان حیک (حیک بلن) می با سگروی در سیه کزینہ ها
هسان شتاج (سرکن) دایمی دهد.

۱۲- کزینہ ۱ = بوالحسن بولانی و سیرگی (تفسیر معنی : معطوف)

به سگی بو بکر
که تفسیر معنی (دل)

فیه = سفت

مفعول = چیزس - ضیعی

③ ۱۳۷ - کذبہ ۲۰ * منہ لیا ہے = کشتی (اُنک من کشتی میں ہے لیا کشتی رادار)

۴۰۔ کذبہ !
خار صیف من میء (مفادس)
مردان خویشار = (وصفی)
خویشوار آید (مفاد)

۲۱۵۰

⑤ ۱۶ - کُزْبِه ۴ مضموم اس م اور سیم - زیا بیا ر .

⑤ ۱۷ - کُزْبِه ۴ - عِدَا اسْمَاعِیلِ بْنِ مُطَلِبٍ (یعنی دُبَّہ حُرَمِی دَامِی بَیْزِی ۴)

کاذبه ۱- عاشقان بعد از رسیدن راز عشق و دیگر چیزها را کوس می دهند ✓
کاذبه ۲- هر حیوانی خواهی مرا نصیب کن من تقییر نمی کنم (کوس به نصیحت نمی کند)
کاذبه ۳- به حرف معلم کوس نمی کند
کاذبه ۴- از آبغاله ده عطر جلیع درست است، خوشبو است کسی است که به آن کوس کند

⑤ ۱۸۔ گذرید ۳۔ مضموم با خواہاں او نیز ہمراہ بخو اہریم د (با خواہاں و یاد ہی س)

⑤ ۱۹-۲۰ - معنوا گوئے نامعزم بنائے جاس پہنچا سرور سے

۵. ۲- ۱) ندرینه ۱- مفهوم ندرینه دلالت بر این دارد که با علم و آگاهی می توان به دانش دست یافت.

⑤ ۲۱- گذر بنده ۲ در هر دو بیت با وج این مفعول هفتمه است که آنگاه سخن گفتن سواس نداشت یا خیر می باشد نداشت و ظاهرش می باشد.

⑤ ۲۲ - نذیرہ! - سادہ و روان بود.

⑤ ۲۳۔ "نزہۃ ۴" سے بیان شدہ یہ سید اسے = مفہوم بیتہ سوال و کزینہ حاس (۱۰۳) می باشد

⑤ ۲۴ - کذبہ ۲ اس قدر ہے وائے یک مطلب (سخن کتاب، مضمون و ...)

۲۵۵- گذر به اس از فضل پیر، سیر به حاصل